

محمد اختر چیمه

## مختصری در شرح حال و آثار و عقاید

## شیخ فخرالدین عراقی

## الف - شرح حال عراقی

شیخ فخرالدین ابراهیم بن بزرجمهر بن عبدالغفار جوائقی<sup>۱</sup> متخلص و مشتهر به عراقی همدانی یکی از ستارگان درخشان آسمان تصوف اسلامی و ادب فارسی است که در حدود ۶۱۰ هجری در قریه کمجان از نواحی همدان چشم بدین جهان گشود. شیخ عراقی در دو مورد در دیوان اشعار خود به «کمجان» چنین اشاره کرد:

جز عراقی که نیست امیدش تا ببیند وصال کمجان را<sup>۲</sup>

یا صبا بوی سر زلف نگاری آورد

یا خود این بوی ز خاک خوش کمجان آید<sup>۳</sup>

و به روایت جامع دیوان عراقی و مؤلف مقدمه آن نیز «مولدان سوخته

۱- تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، به اهتمام ادوارد براون، لندن ۱۹۱۰ م، ۱/۸۲۲ و شیخ عراقی در پایان مکتوبی - که حاوی مطالب مهمی راجع به زندگی و خانواده او می باشد - اسم خودش «ابراهیم بن بزرجمهر بن عبدالغفار العراقی» مرقوم نموده. نسخه خطی مکاتیب عراقی در کتابخانه ملی تهران بشماره ۴ محفوظ است.

۲- کلیات عراقی، بکوشش سعید نفیسی، چاپ چهارم کتابخانه سنائی، تهران ۱۳۳۸ ش،

ص ۶۷.

۳- ایضا، ص ۷۸.



جمال و آن تشنه وصال ، آن یگانه باسلامت و آن نشانه تیر ملامت از قریه  
 «کمجان» از نواحی شهر همدان بوده است و آباء و اجداد او جداً فوق جداً  
 علما و افاضل بوده اند»<sup>۴</sup> . سپس صاحب مقدمه دیوان حکایتی دلچسب را  
 ذکر می کند و می گوید که قریب به یک ماه پیش از تولد عراقی پدرش حضرت  
 امیر المؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب علیه السلام را در خواب دید که  
 با جمعی از ابرار در باغی گرد آمده بودند و پدر عراقی هم در آنجا ایستاده بود.  
 ناگهان شخصی بیامد و کودکی را که در بغل گرفته بود رو بروی حضرت امیر  
 علیه السلام بر زمین نهاد. حضرت امیر (ع) آن طفل را برداشت و در کنار پدرش  
 نهاد و فرمود: «بستان عراقی ما را و نیکو محافظت نمای که جهانگیر خواهد  
 بود»<sup>۴</sup> . چنان که پس از یک ماه وقتی عراقی متولد شد ، پدر در چهره اش  
 نگاه کرد و همان کودک یافت که در عالم رؤیا دیده بود .

چون عراقی پنج ساله شد او را به مکتب نشانند ، در مدت نه ماه مجموع  
 کلام الله را حفظ کرد و به آواز شیرین و دهنسوز می خواند و به هشت سالگی در  
 همدان مشهور شد .

گویند که چون سن او به هفده رسید ، بر جمله علوم از معقول و منقول  
 مطلع شده بود ، و در شهر همدان در مدرسه شهرستان با فادت پرداخت و  
 هوی زنان از مجلس در رفتند و سماع آغاز کردند و این غزل به آواز خوش  
 خواندند :

مارخت ز مسجد به خرابات کشیدیم

خط بر ورق زهد و کرامات کشیدیم

۴- کلیات عراقی ، مقدمه دیوان ، ص ۴۸ .



در کوی مغان در صنف عشاق نشستیم  
 جام از کف رندان خرابات کشیدیم  
 ... از زهد و مقامات گذشتیم ، که بسیار  
 کاس تعب از زهد و مقامات کشیدیم<sup>۵</sup>  
 چون قلندران بروش مخصوص خود این ابیات بر خواندند ، اضطرابی  
 بر شیخ مستولی گشت . نظر کرد و در میان قلندران پسری صاحب جمال دید .  
 عراقی به نظاره نخستین در دام عشق او گرفتار شد . همانوقت دست انداخت  
 و لباس از تن بدر کرد و عمامه از سر فرو گرفت و به قلندران داد و این غزل بنظم  
 آورد :

چه خوش باشد که دلدارم تو باشی

ندیم و مونس و یارم تو باشی<sup>۶</sup>

پس شیخ عراقی با این دوستان قلندر پیشه عازم هندوستان گردید تا  
 شهر مولتان به خانقاه شیخ الاسلام والمسلمین مولانا بهاء الدین زکریا سهروردی  
 رسید و سیر و سلوک آغاز کرد . بقول خود شیخ عراقی هفده سال<sup>۷</sup> و به روایت  
 مقدمه دیوان بیست و پنج سال<sup>۸</sup> در خدمت پیر مولتانی بسر برد .  
 بعد از وفات مرشد طریقت از دست حسودان بتنگ آمده به عربستان  
 هجرت نمود ، پس از حج و زیارت به آسیای صغیر رفت و در قونیه به صحبت  
 شیخ صدرالدین قونیوی نایل آمد و در مجالس سماع مولانا جلال الدین رومی

۵- کلیات عراقی ، ص ۴۹ .

۶- ایضاً ، ، ص ۲۸۲ .

۷- منشآت و مکاتیب عراقی ، نسخه خطی کتابخانه ملی تهران ، شماره ۴ ؛ نسخه عکسی  
 متعلق به نگارنده .

۸- کلیات عراقی ، مقدمه ص ۵۲ ؛ نفعات الانسجامی ، به تصحیح مهدی توحیدی پور ،

تهران ۱۳۳۶ ، ش ۶۰۲ .



شرکت جست<sup>۹</sup> . سپس به مصر و شام سفر کرد، در آنجا به پایه شیخ الشیوخی فایز گردید . سرانجام در دمشق به سال ۶۸۸ هجری از دنیا رخت بر بست و در کنار مرقد شیخ اکبر محی الدین ابن عربی به خاک سپرده شد .

### ب - آثار عراقی

شیخ فخرالدین عراقی جز این که عارف بزرگ زمان خودش بود ، در میان نویسندگان و شاعران صوفی مساک و عاشق پیشه ایرانی هم شهرت فراوانی دارد . از آثار معتبر و معروف او دیوان اشعار و مثنوی عشاق نامه و رساله لمعات است . مؤلف مقدمه دیوان از نظم و نثر او چنین تعریف کرده است : « محاسن آثار مشهور و معروف گشته و دررغررش در ساعد دهر سوار ، و نظم و نثرش در گوش و گردن روزگار گوشوار و طوق . »<sup>۱۰</sup> .  
آثار شیخ عراقی را می توان دودسته تقسیم کرد :

#### ۱- آثار منظوم

دیوان اشعار که مشتمل بر قصاید و ترکیبات و ترجیعات و غزلیات و رباعیات است و در نهایت لطف و شور و دلنشینی و روانی ، قریب پنج هزار بیت می شود . شیخ عراقی در غزل عاشقانه شور انگیز قطعاً یکی از بزرگان زبان فارسی است و بیان بسیار شیرین و روان و طرب انگیز دارد که او را با سراینندگان بزرگ برابر می کند<sup>۱۱</sup> . بخصوص در غزل عرفانی و عشقی استادی مسلم است و در پرده اصطلاحات صوفیان ، مطالب عارفانه را بیان می کند .  
مثنوی عشاق نامه یاده فصل : در شرح کیفیت عشق و حالات عاشق

۹- مناقب العارفین افلاکی ، بانصحبیحات تحسین یازیجی ، انقره ، ۱۴/۲۹۹ .

۱۰- کلیات عراقی ، مقدمه / ۴۷ .

۱۱- بزرگان و سخن سرایان همدان ، دکتر مهدی درخشان ، تهران ۱۳۴۱ ش / ۷۲ .

کلیات عراقی ، دیباچه نفیسی / ۴۱ .



بالغ بر هزار بیت بطرزی شیوا و نفز سروده شده<sup>۱۲</sup>. ضمن ایراد حکایات برخی از صوفیه مانند شبلی و احمد غزالی و روزبهان بقلی و نجم الدین کبری که ذوق جمال پرستی پیدا کردند و به منتهای عشق الهی و حقیقی رسیدند، غزلیاتی عاشقانه بر وزن مثنوی در آن آورده است و حقایق معنوی بیان کرده است.

## ۲- آثار منشور

لمعات: کتاب نسخه کوچکی است، مشتمل بر هفتالی هشت هزار کلمه، نثری بسیار فصیح و روان عباراتی گرم و گیرنده دارد. و بصورت تلخیص حقایق گفتار عارف بزرگ محی الدین ابن عربی در بیست و هشت لمعه تدوین شده و از حالات عشق و عاشق و معشوق در آن بحث رفته است<sup>۱۳</sup>. این رساله یکی از شاهکارهای بسیار بلند نثر عرفانی فارسی است و در عالم تصوف و عرفان ارزش و اهمیت زیادی دارد.

رساله کوتاه لمعات این قدر تأثیر و نفوذی داشت که عارفان و عالمان بعدی شروع متعدد بر آن نوشته اند<sup>۱۴</sup>. از تعداد شروع لمعات معلوم می شود که فخر الدین عراقی در دورانهای بعد و بخصوص در قرن نهم هجری بسیار مورد توجه صوفیان و عارفان و دانشمندان قرار گرفته است.

اصطلاحات صوفیان: علاوه بر آثار معروف عراقی، سعید نفیسی برای فهمیدن اشعار و افکار او، و برای استفاده اهل ادب و تصوف رساله اصطلاحات

۱۲- از سعدی تاجی، براون، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۳۹ ش ۱۷۶/۰.

۱۳- ایضاً ۱۷۸/؛ بزرگان و سخن سرا بیان همدان ۷۲۷/۰.

۱۴- فهرست اهدائی مشکوة به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ۱/۸۷-۴۸۵؛

تاریخ ادبیات ایران، هرمان اته، ترجمه شفق، تهران ۱۳۳۷/۱۷۷؛ فهرست نسخه های خطی فارسی، منزوی، ج ۲.



صوفیان را هم در کلیات او چاپ کرده است که بنا بر گفته او نویسنده آن بطور دقیق معلوم نیست ، لیکن بدلیل نسخه های خطی متعدد از تصانیف عراقی می باشد<sup>۱۵</sup> .

رسائل خطی عراقی : مقداری از رسائل و مکاتیب عراقی بصورت نسخه های خطی در کتابخانه های مختلف جهان یافت شده است مانند :

۱- رساله فی الحمدله و معناها فی التصوف (دارالکتب قاهره ، بشماره

۱۱۰۴۲ .

۲- رساله لطیفه فی الذوقیات (دارالکتب قاهره ، بشماره ۱۱۸۰)<sup>۱۶</sup> .

۳- منشآت و مکاتیب (کتابخانه ملی تهران ، بشماره ۴) .

و نیز کتب زیر به اشتباه به نام عراقی نسبت داده اند :

۱- مجمع البحرین (کتابخانه لنین گراد شوروی ، بشماره ۷۳۶)<sup>۱۷</sup> .

۲- فردوس العارفین (کتابخانه سریزدی یزد) که بقول آقای محمدتقی

دانش پژوه از مؤلفات شیخ شهاب الدین عمر سهروردی مؤسس سلسله سهروردیه است<sup>۱۸</sup> .

گذشته از این همه ، يك مقدمه دیوان عراقی چندسطری به زبان عربی و مقداری ابیات تازی هم در نسخه های خطی مختلف دیده می شود . صاحب مقدمه دیوان هم می نویسد : «راقت و لطافت عربیهارا بطریقی ادا کرده که تشنگان حال از استماع آن سیراب می شوند . عذوبت و زلال پارسیها بنوعی

۱۵- فهرست نسخه های خطی فارسی ، منزوی ، تهران ۱۳۴۹ ، ج ۲ ، ۱/۱۰۳۷ .

۱۶- فهرس المخطوطات الفارسیه ، مطبعه دارالکتب قاهره ، ۱/۲۶۵ و ۲۳۸ .

۱۷- فهرست نسخه های خطی فارسی و تاجیکی ، لنین گراد شوروی ، ۱/۵۰۳ .

۱۸- نسخه های خطی دفتر چهارم ، کتابخانه مرکزی انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۴۴ ش .



انشا کرده که دیده از اطلاع بر آن منور و مزین می‌گردد.<sup>۱۹</sup> حاصل آن که شیخ فخرالدین عراقی دارای مؤلفاتی ارزنده و پرمعنی در تصوف بوده است.

### ج - عقاید عراقی

صوفیان قرن هفتم و هشتم هجری که سلسله مشایخ سهروردیه را تشکیل می‌دهند در تحت تعلیم و تربیت دو کتاب یا دو مکتب بودند، یکی مکتب علمی محی‌الدین ابن عربی و ابن فارض مصری و دیگر مکتب عملی عوارف المعارف سهروردی: باین طریق که علوم عرفانی را از کتب محی‌الدین و اشعار ابن فارض، و اعمال طریقت و رسوم خانقاه را از عوارف المعارف یاد می‌گرفتند. از این رو شیخ فخرالدین عراقی یک طرف از بهاء‌الدین زکریا مولتانی خرقه پوشیده است و واسطه‌اش می‌رسد به شهاب‌الدین عمر سهروردی و از سوی دیگر عراقی شاگرد صدرالدین قوینوی بوده و رشته‌اش متعلق می‌شود به ابن عربی، که هر دو مکتب را به تصوف عابدانه عبارت توان کرد. از جهت دیگر به روایت مناقب العارفين افلاکی در قونیه بامولانا جلال‌الدین رومی هم آمیزش داشته است و مکتب مولوی به تصوف عاشقانه نامیده می‌شود.<sup>۲۰</sup> باین نحو عقاید صوفیانه و افکار عارفانه عراقی از همه جهت مخلوط می‌شود. اینک برخی از عقاید و افکار عراقی با استشهاد از اشعار و آثار وی بیان می‌گردد.

۱- شریعت: همانطور که ذکر شد سلسله ارادت فخرالدین عراقی از طریق بهاء‌الدین زکریا به شیخ شهاب‌الدین سهروردی می‌پیوندد که پیروانش

۱۹- کلیات عراقی، مقدمه ۴۷/.

۲۰- مصباح الهدایه، عزالدین محمود کاشانی، مقدمه جلال‌همانی، چاپ دوم تهران



به رعایت ظواهر شریعت معروف بوده‌اند. از بهاء‌الدین زکریا هم که مرشد روحانی عراقی است مطلبی برخلاف این روش بنظر نرسیده است. صاحب مقدمه دیوان درباره شیخ شهاب‌الدین سهروردی چنین می‌نویسد: «سنت شیخ آن بود که بفیراز تلاوت قرآن و بیان احادیث بچیزی دیگر مشغول نشوند.»<sup>۲۱</sup> و نیز در باب عراقی می‌گوید که «قدم تقوی او بر جاده سنت راسخ بود و قلم فتوی او رایات بدعت را پاسخ آمده.»<sup>۲۲</sup> و خود عراقی در بیستی چنین سروده:

برون از شرع هر راهی که خواهی رفت گمراهی

خلاف دین هر آن علمی که خواهی خواند شیطان<sup>۲۳</sup>

چنان که شیخ فخرالدین عراقی يك نفر صوفی عارف متشرع زاهد و عابد بوده است:

۲- اصول طریقت: فخرالدین عراقی هر چند وجوب طاعت و عبادت و ملازمت شریعت را رواداشته است ولی شرط اساسی تصوف و طریقت او عشق بوده است که می‌گوید:

عشق شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوتۀ سودا نهاد<sup>۲۴</sup>

در عصر شیخ عراقی روش تعلیم و پرورش خانقاه‌گزینان بر آن مبتنی بود که سالک را بحسب استعداد خود چنان تربیت کنند که دارای روش تازه و فکرنوین گردد و جهان بیرون و درون را مناسب دید خود بنگرد و راه نو

۲۱- کلیات عراقی، مقدمه / ۵۲.

۲۲- ایضاً / ۴۷.

۲۳- کلیات عراقی / ۹۸.

۲۴- ایضاً / ۱۶۳.



پیش گیرد و از تقلید بگذرد<sup>۲۵</sup>، چنان که عراقی مقلد پیر و رهبر خود نبوده است. شیخ بهاء الدین زکریا او را به اصول طریقه تصوف برای اربعین بخلوت نشانده. عراقی چون ده روز در خلوت بنشست و جدی برو مستولی شد و این غزل را انشاء کرد:

نخستین باده کاند در جام کردند ز چشم مست ساقی وام کردند  
 چو با خود یافتند اهل طرب را شراب بیخودی در جام کردند ...  
 چو خود کردند راز خویشتن فاش عراقی را چرا بدنام کردند<sup>۲۶</sup>  
 شیخ زکریا چون بیت آخر شنید، گفت کار او تمام شد و همانگاه و همانجا خرقه درو پوشانید.

این چنین وضعی که پیش آمده، عراقی به کشف و تحقیق شخصی دست یافته و طرز تازه و روش جدید در طریقت برگزیده است.

۳- عشق: مکتب سهروردی و ابن عربی که فخرالدین به هر دو مکتب ارتباط نزدیکی داشته است، تصوف عابدانه نامیده می شود و ای حقیقت اینست که عشق قاب و روح تصوف و عرفان اسلامی است و عشق در هر دو مکتب جاری و ساری است. ابن عربی که بوجد او در تصوف و عرفان اسلامی یک روش جدیدی پیدا شد و عرفان نظری به پایه کمال رسید، درباره عشق خودش می گوید: «من پیرو مذهب عشقم و بهمان طرف می روم که کاروان آن ببرد، زیرا که همین دین منست و همین ایمان من»<sup>۲۷</sup>.

فخرالدین عراقی که شاگرد صدرالدین قونوی است و پیش او فصوص الحکم و فتوحات مکیه ابن عربی را خوانده است، تحت تأثیر ابن عربی قرار

۲۵- مناقب اوحدالدین کرمانی، مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، تهران ۱۳۴۷ ش/ ۲۸

۲۶- کلیات عراقی / ۱۹۳ .

۲۷- اردو دائره معارف اسلامیه، دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۹۶۴ م. ۱/ ۶۱۱ .



گرفته است. در رساله لمعات باختصار معتقدات ابن عربی بیان شده و بقول صدرالدین قونیوی «لمعات بحقیقت لب فصوصست»<sup>۲۸</sup> و پراز مطالب و مفاهیم عشق و معرفت است. همین طور غزلیات عراقی و مثنوی عشاق نامه او بحد و فور شوق و جذبه و شور انگیزی است. عراقی معانی عرفانی را با لغات و اصطلاحات و تعبیرات عشق و عاشق و معشوق صریحاً بیان کرده است بطور مثال از آثار او استشهاد می شود.

در لمعات آمده است «عشق هر چند خود را وایم بخود می دید، خواست که در آینه جمال معشوقی خود مطالعه کند، نظر در آینه عین عاشق کرد، صورت خودش در نظر آمد... عاشق صورت خود گشت و بدبده «یحییهم و یحبونه»<sup>۲۹</sup> در جهان انداخت»<sup>۳۰</sup>.

در جایی دیگر در لمعات آورده «عشق آتشیست که چون در دل افتد، هر چه در دل یابد، همه را بسوزاند، تا حدی که صورت معشوق را از دل محو کند...»

خواهم که چنان کنی به شقم مشغول

چو گز عشق تو هم بلا تو نپردازم بیش»<sup>۳۱</sup>

در غزلی چنین اظهار عشق کرده است:

عشق شوقی در نهاد ما نهاد جان ما را در کف غوغا نهاد»<sup>۳۲</sup>

در مثنوی عشاق نامه، عراقی در مورد مذهب عشق چنین سروده

۲۸- کلیات عراقی، مقدمه / ۵۵.

۲۹- قرآن، ۵/ ۵۴.

۳۰- کلیات عراقی، لمعات / ۳۹۷.

۳۱- ایضاً / ۴۰۳.

۳۲- کلیات عراقی / ۱۶۴.







شیخ عراقی بنیاد طریقت را بر اساس زیبایی پسری متکی ساخته ، و از جمله مظاهر زیبایی به صورت زیبا عشق می ورزیده است . خودش می گوید:

پسرا ، می مغانه دهی ار حریف مایی

که نماند بیش مارا سر زهد و پارسایی<sup>۳۷</sup>

در جای دیگر سروده است :

گفتم که مگر جستم ، وز دام بلارستم

دل در پسری بستم ، کز یاد لبش مستم<sup>۳۸</sup>

صاحب طرایق الحقایق نوشته است که « فخرالدین عراقی در شاهد بازی یکتای بی همتاست . »<sup>۳۹</sup> عراقی در لعمه هفتم کتاب لمعات می فرماید : « عشق در همه ساریست و ناگزیر بر همه اشیاست ، حب ذات محب است و عین او محال است که مرتفع شود ... »

میل خلق جمله عالم تا ابد  
جز ترا چون دوست نتوان داشتن  
گر بدانند و اگر نه سوی تست  
دوستی دیگران بر بوی تست<sup>۴۰</sup>

پس بقول خود عراقی دوستی دیگران و هم مطالعه جمال مظاهر صوری برای مشاهده جمال مطلق حق تعالی است . و جمال پرستی راهی است برای خدا پرستی و خدا شناسی .

۵- سماع : شیخ فخرالدین عراقی با کمال بی پروایی جمال پرستی می کرد و در سماع باشاهدان عشق بازی می کرد . واقعاً ورود عراقی در طریقه تصوف به تأثیر سماع شده است . حتی تامولتان رسیده ، مرید شیخ

۳۷- کلیات عراقی / ۲۹۵ .

۳۸- ایضا / ۱۰۸ .

۳۹- چاپ دکتر محبوب ، ۴۰۶/۱ .

۴۰- کلیات عراقی ، لمعات / ۲۸۴ .



زکریا سهروردی شد. سلسله سهروردی مکتب‌عملی عوارف‌المعارف است و اصول طریقت آن عبارت است از زهد و عبادت و مجاهدت و رعایت فرائض و مداومت بر آداب و سنن و اوراد و اذکار<sup>۴۱</sup>، اما تصوف عراقی در مرحله اخیر وجد است و سماع و قول و ترانه و اشعار. ازین نظر عراقی از پیشروان مکتب سهروردی قدمی پیش‌نهاده است.

فخرالدین عراقی هنگام اقامت در قونیه بتوسط استاد خود شیخ صدرالدین قونیوی بامولانا جلال‌الدین آمیزش داشته‌است، و در مجالس سماع امرا و بزرگان قونیه حضور بهم می‌رسانید. بروایت افلاکی «روزی در مدرسه مبارک سماعی عظیم بود و خدمت شیخ فخرالدین عراقی که از عارفان زمان بود، در آن ساعت حالتی کرده، خرقه و تحفیفه‌اش افتاده می‌گشت و بانگهای زد. همانا که حضرت مولانا در گوشه دیگر سماع می‌کرد... و پیوسته شیخ فخرالدین در سماع مدرسه حاضر شدی.»<sup>۴۲</sup> حسب حال عراقی بیتی از غزل او ملاحظه شود:

چو در سماع عراقی حدیث دوست شنید

بجای خرقه به قوال جان‌توان انداخت<sup>۴۳</sup>

حکایتی در مقدمه دیوان، در ذوق سماع عراقی این‌طور بیان شد. روزی امیر مهین‌الدین پروانه بخدمت شیخ عراقی آمد و زر پیش او نهاد، شیخ بخندید و گفت: «مارا به زر نمی‌توان فریفتن، بفرست حسن قوال را بما رسان.»<sup>۴۴</sup> چنان‌که سه‌روز متواتر سماع کردند و شیخ بسی اشعار خوب

۴۱- مصباح‌الهدایه، مقدمه همائی/ ۴۶.

۴۲- مناقب‌العارفین، ۴۰۰/۱.

۴۳- کلیات عراقی/ ۱۴۶.

۴۴- کلیات عراقی، مقدمه/ ۵۵.



درین روزها انشاء فرمود ، مانند :

عشق سیمرغیست کو را دام نیست

در دو عالم زو نشان و نام نیست<sup>۴۵</sup>

ساز طرب عشق که داند که چه سازست

کز زخمه آن نه فلک اندر تک و تازست<sup>۴۶</sup>

معلوم می شود که فخرالدین عراقی شیخی بوده است غرق سماع و سوز

و وجد و اشعار .

۶- وحدت وجود : تکامل تام مشرب عرفان از نظر وحدت وجود و کمال

مطلوب یا سیر و سلوک و معرفت الله و کشف و شهود است ولیکن مسئله وحدت

وجود روح و روان تصوف و عرفان است ، و این فکر از استیلای عشق حقیقی

پیدا شده . وقتی که برارباب عرفان و شهود نشئه محبت غلبه پیدا نموده ،

در آن عالم سوای معشوق حقیقی چیزی بنظر آنها نمی آمده است<sup>۴۷</sup> . در بین

صوفیه و عرفاء مسلمین ، اولین کسی که وحدت وجود را اساس تعلیم و نظریه

خویش قرار داده شیخ اکبر محی الدین ابن عربی بود<sup>۴۸</sup> .

تأثیر فلسفه وحدت وجود ابن عربی در آثار فخرالدین عراقی نمایان

است . عراقی مسأله وحدت وجود را اکثر در تمثیل ، و روشن و آشکارا بیان

می نماید . مثلاً در امعات گفته : « وحدت او را از وحدت او توان شناخت ،

زیرا که تویکی و او را ندانی جز بدان یکی ، پس نفس خود را شناخته باشد و

تو و او در میان نه .... »

۴۵- کلیات عراقی / ۱۵۹ .

۴۶- ایضاً / ۱۵۳ .

۴۷- شعر العجم ، شبلی نعمانی ، ترجمه فخر داعی گیلانی ، تهران ۱۳۳۷ ش ، ۵ / ۱۲۹ .

۴۸- ارزش میراث صوفیه ، دکتر زرین کوب ، تهران ۱۳۴۴ ش / ۱۳۴ .



یکی اندر یکی یکی باشد نه فراوان نه اندکی باشد

و از این حرف توحید ثابت می شود و کم کسی داند. <sup>۴۹</sup>

در لمعه نوزدهم وحدت خداوندی را بذریعه تمثیل چنین روشن ساخته است: «یکی از یخ کوزه ای ساخت و پر آب کرد، چون آفتاب بتافت کوزه و آب را يك چیز یافت، گفت ایس فی الدار غیرنا دیار،

صیاد همو، صید همو، دانه همو ساقی و حریف و می و پیمانان همو» <sup>۵۰</sup>

گفته شد که شیخ عراقی حقیقت الهی را در مظاهر فطرت می بیند و

همه موجودات را تجلیات ذات واحد می داند ولی ذات احدیت نسبت به آنها جنبه تعالی دارد. خود عراقی در غزلی اینطور سروده است:

مقصود دل عاشق شیدا همه او دان

مطلوب دل و امق و عذرا همه او دان

بینایی هر دیده بینا، همه او دان

زیبایی هر چهره زیبا همه او دان <sup>۵۱</sup>

پس صفات جمله محبوب را باشد، محب را از خود هیچ صفت نتواند

بود، عدم صفت وجودی چگونه باشد؟

همه هیچند هیچ، اوست که اوست

که همه هستها ز هستی اوست <sup>۵۲</sup>

۷- جبر و قدر: از مطالعه آثار عراقی بر می آید که عراقی قائل به مسئله

جبر و قدر بوده است. هنگامی که پیر طریقت بهاء الدین زکریا، عراقی را

۴۹- کلیات عراقی، لمعات/ ۳۹۲. سال ۱۳۸۷، شماره ۱، ص ۱۸۷.

۵۰- کلیات عراقی، لمعات/ ۳۹۹. سال ۱۳۸۱، شماره ۱، ص ۲۳.

۵۱- کلیات عراقی/ ۲۵۴. سال ۱۳۸۱، شماره ۱، ص ۱۸۷.

۵۲- کلیات عراقی، لمعات/ ۴۰۴. سال ۱۳۸۱، شماره ۱، ص ۱۸۷.



برای اربعین در خلوت جای داد، عراقی در خلوت خانه خود بعزت در دوسوزی که داشت بسرودن غزل پرداخت ، در مقطع آن غزل ، عراقی صریحاً جبر و قدر را بیان کرده که می گوید :

چو خود کردند راز خویشان فاش عراقی را چرا بدنام کردند<sup>۵۳</sup>  
عراقی در جای دیگر گفته است :

حسن را بردیده خود جلوه داد منتی بر عاشق شیدا نهاد  
هم بچشم خود جمال خود بدید تهمتی بر چشم نابینا . نهاد<sup>۵۴</sup>  
در رساله لمعات چنین آمده است :

خود می گویند راز و خود می شنوند وز ما و شما بهانه برساخته اند<sup>۵۵</sup>

۸- زمان و مکان : شیخ فخرالدین عراقی بمرور زمان این قدر تأثیر و نفوذ داشته است که علامه محمد اقبال لاهوری متفکر و شاعر معروف قرن اخیر ، علاوه بر این که در شعر از او استقبال کرده است در مباحث فکری و فلسفی نیز از او یاد برده و در مورد زمان و مکان مقالاتی را به وی نسبت داده است . اقبال در کتاب احیای فکر دینی در اسلام راجع به ابن عربی و عراقی اینطور می نویسد :

«صوفی و فیلسوف مسلمان اندلسی محی الدین بن العربی ، زیر کانه چنین بیان کرده است که خدا محسوس و مدرك است و جهان تصور و معنی . مسلمان صوفی و شاعر دیگر ، عراقی ، از تکرر مراتب زمان و مکان و از وجود زمان الهی و مکان الهی سخن گفته است .»<sup>۵۶</sup>

۵۳- کلیات عراقی / ۱۹۳ .

۵۴- ایضاً / ۱۶۳ .

۵۵- کلیات عراقی ، لمعات / ۳۸۱ .

۵۶- احیای فکر دینی در اسلام ، محمد اقبال لاهوری ، ترجمه احمد آرام ، تهران ۱۳۴۶



در ضمن زمان ، علامه محمد اقبال ، از عراقی چنین استشهاد نموده است : «عراقی شاعر صوفی تنوعات نامحدود زمان را وابسته به مراتب متغیر وجود می داند که میان مادیت و روحانیت محض قرار گرفته اند ... چون در سلسله موجودات غیر مادی به تدریج بالاتر رویم ، به زمان الهی می رسیم ، و آن زمانی است که مطلقاً از صفت گذشتن آزاد است ، و به همین جهت تقسیم و توالی و تغیر در آن راه ندارد . برتر از ابدیت است . نه آغاز دارد و نه انجام بایک فعل غیر قابل تقسیم ادراک ، چشم خدا همه دیدنیها را می بیند ، و گوش خدا همه شنیدنیها را می شنود . قدمت خدا از قدمت زمان نیست ، بلکه قدمت زمان از قدمت خداست .»<sup>۵۷</sup>

درباره مکان ، محمد اقبال لاهوری ، نظر عراقی را باین طرز بیان کرده است : «عراقی پس از آن که مکانهای اجسام مادی با درجات مختلف لطافت را به این ترتیب بیان می کند ، به اختصار به بیان انواع اصلی مکانی که طبقات گوناگون موجودات غیر مادی یعنی فرشتگان در آن عمل می کنند، می پردازد. عنصر فاصله در این مکان کاملاً از میان نرفته است ، چه اجسام غیر مادی ، در عین آن که می توانند از دیوارهای سنگی عبور کنند، از حرکت معاف هستند که بگفته عراقی ، نشانه عدم کمال و روحانیت است . عالیترین نکته در سلسله آزادی مکانی مخصوص روح آدمی است که ذات یگانه آن نه در حال سکون است و نه در حال حرکت . به این ترتیب چون از مکانهای گوناگون بگذریم ، به مکان الهی می رسیم که مطلقاً از هر بعدی آزاد است و نقطه تلاقی همه نامحدودهاست .»<sup>۵۸</sup>

همچنین بقول اقبال «عراقی ارتباط خدا را با جهان به ارتباط روح

۵۷- احیای فکر دینی در اسلام / ۸۹ .

۵۸- ایضا / ۱۵۷ .



آدمی بابدنش تشبیه کرده است.<sup>۵۹</sup>

۹- وصال: باعتقاد مشایخ صوفیه و بزرگان عرفا نفس انسان که اتصال به مبدأ خویش است از راه محوهستی و فنای در حق باین مقصد عالی می رسد و جائی که عقل از وصول بخق عاجز می شود عشق راهنمای اوست. بقول عراقی:

«چون عشق در دل آمد، آنجا خرد نیامد»<sup>۶۰</sup>

اینجاست که شوق عارف او را بسوی خدای کشد و چنان وجود او را از خدا لبریز می دارد که وی دیگر نه وجود خود را در میانه می بیند. نه وجود هیچ واسطه ای را. و در همه راه جز جمال حق که مقصد و مقصود اوست هیچ چیز را پیش چشم ندارد، که عراقی می گوید:

چه بود گر نقاب بگشایی؟  
بیدلان را جمال بنمایی<sup>۶۱</sup>؟

تمنا می کند مسکین عراقی که دریابد بقا بعد از فنایی<sup>۶۲</sup>  
و نیز شیخ عراقی در املعات بیان کرده است: «نهایت این کار آنست که  
محب محبوب را آینه خود بیند و خود را آینه او:

هر دم که در صفای رخ یار بنگرد  
گردد همه جهان بحقیقت مصورش  
چون باز در فضای دل خود نظر کند

بیند چو آفتاب رخ خوب دلبرش  
گاه این شاهد او آید و او مشهود این، و گاه او ناظر این گردد و این منظور او،

۵۹- احیای فکری در اسلام/ ۱۵۸.

۶۰- کلیات عراقی / ۱۶۸.

۶۱- کلیات عراقی / ۲۹۶.

۶۲- ایضا / ۲۹۸.



وگاه این به رنگ او بر آید ، و گاه او بوی این گیرد ، ... گاه عاشق را حله بها و کمال خود پوشد و بزبور حسن و جمال خودش بیاراید، تا چو در خود نظر کند، همه رنگ معشوقی بیند ، بلکه خود را همه او بیند .»<sup>۶۳</sup>

اینست سخنی مختصر در شرح حال شیخ انفسی و آفاقی فخرالدین عراقی که آثار و تصانیف ارزنده وی آکنده از عقاید و افکار عرفانی پرشور است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

